



چرا وقتی فکر می‌کنیم می‌گوییم «هم م م م م م...»؟

در مکالمات روزمره خود چند بار از 'هم م' استفاده می‌کنید؟ تا به حال دقت کرده‌اید که آن را در چند معنی متفاوت و تنها با تغییر لحن خود به کار می‌برید؟ راز این صدا چیست که در عین سادگی این همه کاربرد دارد؟

در مکالمات روزمره خود چند بار از 'هم م' استفاده می‌کنید؟ تا به حال دقت کرده‌اید که آن را در چند معنی متفاوت و تنها با تغییر لحن خود به کار می‌برید؟ راز این صدا چیست که در عین سادگی این همه کاربرد دارد؟

کمی که به مکالمات روزمره خودتان و اطرافیان‌تان دقت کنید، احتمالا "هم م م م م" را زیاد می‌شنوید. این صوت (هممم) در واقع در بسیاری از زبان‌های دنیا در مکالمات مردم به کار می‌رود و البته در برخی زبان‌ها جایگزین‌های دیگری با همین معنی دارد. حتی در ارتباطات نوشتاری افراد، در نامه‌ها و ایمیل‌ها، اس.ام.اس‌ها و نظرهایی که روی صفحه‌های اینترنتی نوشته می‌شود هم می‌توان آن را دید. اما واقعا این صوت (هممم) به چه معناست و ما اصلا چرا از آن استفاده می‌کنیم؟ از کجا آمده است؟

در کودکی برای هیچ کس معنای «هممم» توضیح داده نمی‌شود و بعید هم هست که در هیچ لغتنامه‌ای آن را پیدا کنید. اصلا بعید است که بتوان آن را یک لغت دانست. با این وجود، ما در زندگی روزمره خود بارها از آن استفاده می‌کنیم. آن هم با معانی متفاوت. بسته به لحن، گاهی بدین معناست که: متوجه نشدم چه گفتی. دوباره بگو. وقتی گفتن هممم طولانی‌تر می‌شود و در واقع آن را قدری می‌کشیم بدین معناست که: دارم در مورد چیزی که گفتی فکر می‌کنم. گاهی هم که آن را سریع‌تر بیان می‌کنیم می‌تواند بدین معنا باشد که: بله، ممکن است یا فکر خوبی است.

با وجود کاربرد زیاد هممم در زبان‌های مختلف، ریشه آن اصلا روشن نیست. آنتولی لیبرمن، زبانشناس در دانشگاه مینه‌سوتا و متخصص ریشه‌های کلمات درباره هممم می‌گوید: «من هیچ ایده‌ای در مورد اصل آن ندارم. شاید از زبان فرانسه وارد زبان انگلیسی شده باشد اما آن قدر طبیعی است که می‌تواند در هر بازه زبانی و در هر جایی به وجود آمده باشد. هممم می‌تواند تاریخی بسیار دور داشته باشد. به همین دلیل هم به هیچ عنوان نمی‌توان آن را در زبان‌ها ردیابی کرد».

به بیان دیگر، شاید بتوان گفت که چه کسی می‌داند، شاید حتی نئاندرتال‌ها هم از صدایی مانند آن استفاده می‌کرده‌اند؟! هممم از نظر فنی به عنوان یک صوت در نظر گرفته می‌شود، مانند آخ، اوه و همچنین شاید بتوان آن را در دسته کلماتی که سمبلی از چیزی یا صدایی هستند، مانند قیژ، بنگ، تق، ویز ویز، دانست، با این که در واقع به گفته لیبرمن، سمبل هیچ چیز خاصی هم نیست. وی در این باره توضیح می‌دهد: «صدای اول آن، ه، می‌تواند خیلی ساده، جانشینی برای بازدم به حساب بیاید و بخشی از تنفس باشد. بخش دوم آن، مم، صدایی است که در حال بسته بودن دهان تولید می‌شود. بنابراین می‌تواند سمبلی باشد از این که کاملا مطمئن نیستیم چه می‌خواهیم بگوییم. بدین ترتیب ما فاصله یا مکث ایجاد شده را پر می‌کنیم تا نشان بدهیم که به طور موقت چیزی نمی‌گوییم، اما هنوز با مسئله درگیر هستیم و از آن جدا نشده‌ایم. اضافه کردن لحن‌های مختلف به همین صدای ساده می‌تواند به این معنای کلی، معانی دیگری هم اضافه کند».

نیکلاس کریستنفلد، روانشناس در دانشگاه کالیفرنیا واقع در سن‌دیوگو و متخصص در زمینه پر کردن مکث‌ها، بر این باور است که هممم به این خاطر این همه فراگیر شده است که در واقع یک صدای خنثی است. وی در این باره می‌گوید: «در واقع گفتن آن برای ما از هر چیز دیگری ساده‌تر است!»